

پدیدارشناختی هویت مکان – زمان در بافت‌های فرسوده ارزشمند با رویکرد توسعه پایدار

عادل گرجی نیا^۱، الهام امینی^{۲*}

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۸/۱۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۰/۱۶

DOI: 10.30495/JISDS.2022.65286.11677

چکیده

اگرچه بافت‌های تاریخی دارای یک ارزش وجودی بنام هویت هستند ولی در گذر زمان و به دلیل ناسازگاری با سایر بافت‌ها به تدریج به انزوا کشیده می‌شوند. به گونه‌ای که در اغلب نقاط جهان از جمله در کشور ما وجود چنین بافت‌هایی یک چالش اساسی برای مدیران شهری است زیرا گام‌های رشد و توسعه را همپای کل شهر، نمی‌پیمایند. در مواجهه با این مسأله، سیاست‌ها و رویکردهای متعددی مورد آزمون قرار گرفته است که فاقد پاسخگویی جامع بوده‌اند. لذا مسأله پژوهش کنونی یافتن مدل جامع و مناسب مداخله در بافت فرسوده است. پژوهش ضمن مطالعات اسنادی برای دستیابی به مدل مدنظر، آنرا به شیوه میدانی (با مراجعه به خبرگان متخصصان) به بوتله آزمون گذاشته است. جامعه آماری ۷۰ نفر متخصصان و خبرگان است که به شیوه نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. داده‌های پرسشنامه در نرم‌افزار SPSS تحلیل شد. با توجه به نمره بالای ۴ معیارها و زیرمعیارها و انحراف معیار کمتر از ۱، در نهایت مدل پیشنهادی پژوهش مورد تأیید قرار گرفت.

واژگان کلیدی: پدیدار شناختی، هویت مکان، بافت‌های فرسوده، رویکرد توسعه پایدار

^۱ دانشجوی دکترای شهرسازی، دانشکده‌ی فنی و مهندسی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.
(Email: arc.gorjinia@gmail.com)

^۲ استادیار واحد پردیس، دانشگاه آزاد اسلامی، پردیس، ایران (نویسنده مسئول).
(Email: dr.amini.elham@gmail.com)

۱- مقدمه و طرح مسأله

بافت فرسوده شهرها از جمله مناطق شهری می‌باشند که آهنگ تحولات کالبدی و رونق اقتصادی-اجتماعی آن‌ها با سایر نقاط شهری مطابقت ندارد. با نگاهی به بافت‌های فرسوده و تاریخی شهری، این نکته مشهود است که شکل‌گیری و حیات آن‌ها در تداومی تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و محیطی به صورت هماهنگ و منسجم عیان گردیده است. ساکنان این بافت‌ها هویت خود را از طریق ارتباطات اجتماعی و مشارکت در ایجاد این فضاهای ماندگار دریافت می‌نمودند. تاثیر چنین مکان‌های ماندگاری در شکل دهی به هویت فردی و اجتماعی ساکنان، در مقطعی از حیات خود بر اثر تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در نتیجه ورود تکنولوژی‌های جدید، جهانی شدن و تراکم فضا-زمان، کم رنگ شده است.

با وجود مطالعات گسترده در زمینه نحوه تاثیر مفاهیم هویت و مکان و ارتباط متقابل میان آنها در بافت‌های تاریخی، رابطه روشنی میان آنها ارایه نشده است. در حالی که با شناخت نحوه تاثیر و تاثر چنین مفاهیمی می‌توان با پدیده از دست رفتن هویت در بافت‌های تاریخی و فقدان حضور آن در بافت‌های جدید مقابله کرد.

در همین امتداد، باید به مسأله هویت در بافت فرسوده شهری اشاره نمود. در حال حاضر، یکی از مشکلات اساسی شهرهای ایران، مسئله هویت شهر است. شهر بدون هویت، شهروندان را از هدایت غیر ارادی محروم می‌سازد. بافت‌های تاریخی فرسوده بنا بر چالش‌های عدیده‌ای چون ضعف کالبدی-کارکردی، مدیریت ناکارآمد و عدم توسعه صحیح و متوازن شهری، و فقدان رویکرد فرهنگی متناسب فرسایش‌های زیادی را متحمل گردیده و با آسیب‌های جدی روبرو هستند. باید اذعان نمود که بر اثر فقدان نگاه تاریخی و هویتی لازم در توسعه و نگهداری این مناطق، نوسازی‌های بعضاً پراکنده صورت گرفته نیز چهره و اعتبار تاریخی و هویتی این محدوده ارزشمند شهری را مخدوش نموده است.

در این زمینه، مجموعه‌ای از پرسش‌ها مطرح می‌شود که باید بدان پاسخ داد از جمله اینکه: آیا بافت‌های فرسوده ارزشمند، دچار بی هویتی است و ناکارآمد تلقی می‌گردد؟ در صورتی که بافت‌های فرسوده ارزشمند، دچار بی هویتی باشد، برای رهایی از این بی هویتی چه اقداماتی باید انجام گیرد؟ آیا برای بازیابی معنای حقیقی مکان-زمان در بافت‌های فرسوده ارزشمند شهر، بکار بردن مفاهیم پدیدارشناسی، کارآمدی است؟ مؤلفه‌های هویتی تأثیر گذار پدیدارشناسی در باز زنده سازی بافت‌های فرسوده ارزشمند شهری کدامند؟ آیا در پدیدارشناختی هویت مکان-زمان، تفکر و ایده ساخت شهر و مداخله با توجه به ساختار مدیریت شهری و قوانین مربوطه امکان پذیر است؟ آیا با توجه به ویژگی‌هایی که بافت‌های تاریخی ارزشمند برخوردارند، ظرفیتی برای آغاز حرکت به سمت توسعه پایدار شهری دارند؟ برای یافتن مدل مفهومی مناسب برای پاسخ به مجموعه این پرسشها، پژوهش کنونی شکل گرفته است.

این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی و بر پایه راهبرد پیمایش انجام شده است. منابع به شیوه اسنادی (با ابزار فیش برداری) و میدانی (با ابزار پرسشنامه) جمع آوری شده و داده‌ها پس از کدگذاری در نرم‌افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفته است.

جامعه آماری در بخش یافته‌های میدانی، ۷۰ نفر از خبرگان، متخصصان و کارشناسان اعم از دانشگاهی و دستگاه‌های اجرایی بوده است که در زمینه بافت فرسوده و رویکردهای مواجهه با این بافت‌ها صاحب مقاله و پژوهش بوده‌اند. این جامعه اعم از دانشجویان دکتری اساتید دانشگاه و همچنین کارشناسان شهرداری بوده است.

نمونه‌گیری به صورت هدفمند و برابر با همان تعداد جامع آماری انجام شده و به عبارتی تمام شماری در دستور کار قرار گرفته است.

یافته‌ها در قالب جداول توصیفی و نمودارهای تحلیلی ارایه شده و در نهایت با آزمون میانگین و انحراف معیار، هر یک از معیارها و زیرمعیارهای پژوهش مورد سنجش قرار گرفتند.

۲- مبانی نظری

۲-۱- پیدایش پدیدارشناختی

پدیدارشناسی یا پدیده‌شناسی در ابتدای سده‌ی بیستم میلادی توسط ادموند هوسرل پایه‌گذاری شد و سپس توسط حلقه‌ای از متأثرینش در دانشگاه گوتینگن و دانشگاه لودویگ ماکسیمیلیان مونیخ در آلمان گسترش یافت. جنبش فلسفی پدیدارشناسی سپس به فرانسه، ایالات متحده آمریکا و دیگر نقاط، اغلب در زمینه‌ی بسیار متفاوت از کارهای اولیه‌ی ادموند هوسرل، انتشار یافت. پدیده‌شناسی را نباید جنبشی یکتا دانست بلکه نویسندگان مختلف این فلسفه در یک خانواده‌ی جای می‌گیرند ولی در همین حال تفاوت‌های چشمگیری دارند. پدیدارشناسی یک دکترین یا مکتب یکتا نیست بلکه می‌توان آن را یک طرز فکر، مُتد و سبک، و تجربه‌ی ای باز و همواره نو شونده که نتایج متفاوتی دارد دانست.

ادموند هوسرل پدیدارشناسی را با تأکید بر وجوه التفاتی ذهن و با هدف منظم ساختن فلسفه و فلسفه‌شناخت به طور اخص به کار برد. البته این واژه را نخستین بار یوهان هنریش لامبرت به کار برد. پدیدارشناسی با تفکیک آگاهی با واسطه و بی واسطه از یکدیگر، آگاهی انسان را از پدیدارهای ذهنی که بدون واسطه در ذهن وی ظاهر می‌شوند و ممکن است حتی عینی هم نداشته باشند، مطالعه می‌کند. هوسرل معتقد است هر فعالیت ذهنی «وجه التفاتی» خاصی دارد، یعنی چیزی که ذهن ما در موردش به تفکر می‌پردازد در یک لحظه خاص به دلیل التفات ذهنی موجود می‌شود، حال آنکه ممکن است آن وجود ذهنی، موجودی عینی نباشد. در نظر هوسرل موضوع فلسفه همین موضوعات مورد آگاهی است، یعنی هر آنچه که تجربه می‌کنیم، اعم از اینکه وجود داشته باشد یا نداشته باشد. هوسرل اصطلاح پدیدارشناسی را هم برای «روش» خاص و هم برای اصول و مبادی فلسفی خود به کار می‌برد. او از دو واژه «منشأ» و «آغاز» در تبیین و توضیح این اصول و مبادی استفاده می‌کند. اندیشه‌ی هوسرل با خودآگاهی مبتنی بر پدیدارشناسی آغاز می‌شود و بر نقطه آغازین تفکر تأکید می‌ورزد و بر این باور است که اندیشمند می‌تواند بر سبق ذهن‌ها و تمایلات غالب آمده و تنها بر مطالب متقین اتکا داشته باشد (هوسرل، ۱۳۸۶؛ به نقل از سلیمی و شرفی، ۱۳۹۴: ۵).

پدیدارشناسی از نظر لغوی عبارت است از مطالعه پدیده‌ها از هر نوع و توصیف آنها با در نظر گرفتن نحوه بروز تجلی آنها، قبل از هرگونه ارزش‌گذاری، تأویل و یا قضاوت ارزشی. در نگاهی دیگر اگر پدیدارشناسی را معناشناسی بدانیم، معنایی که در زندگی انسان پدیدار می‌شوند، یک نظام معنایی را شکل می‌دهند. این نظام معنایی با اضافه نمودن وجود به زمان و مکان بدست می‌آید و شناسائی این نظام معنایی نیز از همین راه حاصل می‌شود، یعنی یک شناخت مضاف به زمان و مکان که آن را تجربه زندگی می‌نامند.

ادموند هوسرل را به عنوان پایه گذار مکتب پدیدارشناسی می‌شناسند و فیلسوفانی مانند مارتین هایدگر، ژان پل سارتر و موریس مرلوپونتی را به عنوان توسعه دهندگان این مکتب می‌شناسند. تأثیری که برنتانو بر شاگردش هوسرل بر جای گذاشت سبب شد تا هوسرل مکتب پدیدارشناسی را پدید آورد (امامی سیگارودی و دیگران، ۱۳۹۱).

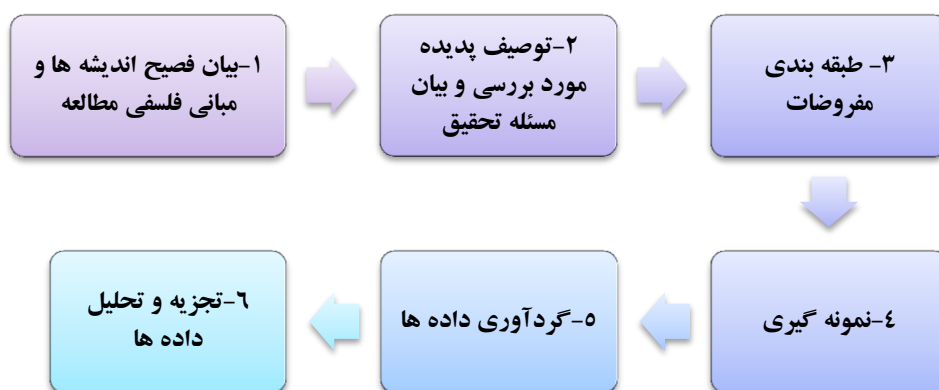
پدیدارشناسی بررسی ساختارهای آگاهی است آن چنان که از منظر اول شخص تجربه می‌شود. ساختار اصلی هر تجربه‌ای، قصدیت آن (قصدی بودن)، یعنی روی داشتن آن تجربه به چیزی است. زیرا هر تجربه‌ای، تجربه‌ای است از عینی یا در باره عینی. تجربه به واسطه محتوا یا معنایش (که عین مورد نظر را بازنمایی می‌کند) بعلاوه شرایط مقتضی امکان، روی به عینی دارد.

پدیدارشناسی شناخت یا بررسی پدیدارهاست، شناخت نموده‌ها یا ظواهرات چیزها، یا چیزها آن چنان که در تجربه ما نمودار می‌شوند. پدیدارشناسی تجربه آگاهانه را آن چنان که از منظر سوژکتیو یا اول شخص تجربه می‌شود موضوع بررسی قرار می‌دهد. بر این اساس این حیطه از فلسفه را باید از سایر حیطه‌های اصلی فلسفه مانند هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، منطق و اخلاق متمایز کرد و در عین حال به آنها مربوط دانست (اسمیت، دیوید وودراف، ۱۳۹۳).

اصطلاح پدیدارشناسی از نظر هوسرل، کار توصیف، اکتشاف، تجزیه و تحلیل پدیدارهاست. پدیدارشناسی تنها در مقام آن نیست که به حقیقت پدیده‌های ذهنی دست یابد، بلکه می‌خواهد بداند، این پدیدارها چه رابطه‌ای با ارگانسیم حسی، بدنیه عوامل محیطی دارند. در واقع پدیدارشناسی هم توضیح ذهن است و هم توضیح و تفسیر محتوا و موضوع ذهن. خواه آن موضوع وجود واقعی داشته و موافق با دنیای خارج باشد و خواه وجود خارجی نداشته و موافق با دنیای خارج نباشد (Miller, Brewer, 2003).

فرایند روش تحقیق پدیدارشناسی

به نظر برخی از صاحب نظران نمی‌توان برای تحقیق پدیدارشناسی یک سلسله مراحل ثابتی را ارائه داد (هاین و اوستین، ۲۰۰۱؛ دایمون و هالوی، ۲۰۰۲). این امر به توانایی محقق در انجام تحقیق پدیدارشناسی بستگی دارد، زیرا انجام روش تحقیق پدیدارشناسی بسیار مشکل و پیچیده بوده و نیازمند آگاهی دقیق از کاربردها، فرایند و موارد مورد نیاز جهت انجام آن است. و البته انجام آن به محققان تازه کار پیشنهاد نمی‌شود. با این وجود مراحل زیر برای انجام تحقیق پدیدارشناسی پیشنهاد می‌شود (بازرگان، ۱۳۸۷؛ دایمون و هالوی، ۲۰۰۲؛ لستر، ۱۹۹۹؛ موریسی و هایگ، ۲۰۰۶):



نمودار شماره ۱: فرایند روش تحقیق پدیدارشناسی

۲-۲- بافت فرسوده ارزشمند

بافت‌های تاریخی شهری میراثی ارزشمند در فرهنگ یک جامعه و معماری وابسته و به جای مانده از نسل‌های گذشتگانمان است. طوری که محدوده تاریخی در مراکز شهرها مظهر رشد اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده است. همچنین حفظ و احیای ابنیه‌های تاریخی با تغییر کاربری سازگار در راستای سازماندهی تأثیرگذار در یک سیستم شهری به صورت جامع و سامانهای باعث راهیافت عملگرایانه و یکپارچگی حیات بافت‌های تاریخی شهری همسو با شهر زنده و رگه‌های اصلی هویت می‌توان ننگه داشت (کلانتری خلیل آباد، حاتمی نژاد، ۱۳۸۵: ۹۰-۱۷۶).

بافت‌های قدیمی شهرها به واسطه دیرینگی بناهای ارزشمند تاریخی و وجود عناصر معماری آمیخته با هنر و هویت بناها ارتباط گسترده‌ای با فرهنگ یک جامعه و به تاسی از ساختارهایی با کاربری‌های منحصربه‌فرد فضایی و عملکردهای مختلف سنجیده می‌شود (شاطری وایقان و دبدبه، ۱۳۹۸: ۵۹).

بافت‌های تاریخی شهرها آثار گرانبهایی هستند که فرهنگ، تاریخ، دانش معماری و شهرسازی گذشته جامعه شهری را نشان می‌دهند و یا در بیان روشنتر هویت و شخصیت اجتماعی فرهنگی شهر را به نمایش می‌گذارند (قادری و دیگران، ۱۳۹۱: ۹۷-۱۱۳).

سوابق جهانی مداخله و اقدام در بافت فرسوده

کشورهای مختلف جهان در اروپا، آمریکای شمالی و جنوبی، آسیا و آفریقا دارای تجارب متعدد و متنوع از جهت مداخله در بافت‌های شهری می‌باشند. هر یک از این تجارب با اهداف، دلایل متفاوت و در بستری خاص و منحصر به فرد تعریف شده و به انجام رسیده‌اند. اما چشم انداز و ضرورت نوسازی شهری در همه نمونه‌های انجام شده، بهبود و ارتقای کیفیت سکونت و فعالیت در شهر می‌باشد.

نوسازی شهری از اواسط قرن نوزدهم با اقدامات هوسمان در شهر پاریس آغاز می‌شود و با نوشته‌های راسکین و موریس در انگلستان و اقدامات کامیلوسیت در اتریش ادامه پیدا می‌کند. نوسازی شهری پس از جنگ جهانی دوم و به خصوص از دهه ۱۹۶۰ دچار تغییر جهت می‌گردد (حبیبی، ۱۳۸۱، به نقل از عندلیب، ۱۳۸۷: ۲۲).

تجارب جهانی نوسازی شهری از نظر موضعی در دو دسته مداخله در بافت‌های تاریخی و ارزشمند و مداخله در بافت‌های فرسوده معمولی قابل دسته بندی می‌باشد.

عمده تجارب کشورهای اروپایی و نیز کشورهای همانند مصر، سوریه و لبنان در زمینه نوسازی شهری، متمرکز بر بافت‌های تاریخی می‌باشد. در بافت‌های تاریخی به دلیل وجود عناصر و بناهای ارزشمند، مداخله صورت گرفته حداقلی بوده و بر اساس نظریات حفاظت و صیانت از میراث فرهنگی و معنوی صورت می‌گیرد. مهمترین زمینه‌ها و اهداف مداخله در این بافت‌ها، توسعه ظرفیت‌های گردشگری و ارتقای سطح اقتصادی بافت می‌باشد به گونه ای که در کشورهای که گردشگری به عنوان یکی از منابع درآمدی اصلی آن بر شمرده می‌شود، این بافت‌ها مهمترین ابزار برای این هدف به شمار می‌روند (عندلیب، ۱۳۸۷: ۲۲).

مداخله در بافت‌های غیرتاریخی نیز دارای تجارب متعدد می‌باشد. اقدامات مداخله ای با اهداف متفاوت اعم از مقابله با ناامنی‌های اجتماعی، ایجاد خیابان‌های وسیع، تولید انبوه مسکن، بازسازی پس از دوران جنگ یا زلزله و ... صورت گرفته است. در ادامه به تاریخچه و سیر تکوینی احیای بافت‌های فرسوده در جهان و چند نمونه از مداخله در بافت‌های فرسوده در کشورهای مختلف اشاره می‌شود.

تاریخچه و سیر تکوینی اقدامات در جهان

گرچه حدود دو قرن است که کشورهای اروپایی به حفظ و احیای مناطق قدیمی که دچار فرسودگی شهری شده‌اند پرداخته‌اند، اما دخالت همه جانبه به معاصر سازی، بعد از جنگ جهانی دوم ابعادی وسیع و نو یافت. از جمله عوامل موثر در گرایش به حفظ و احیای مناطق قدیمی و مرکزی شهرها به ویژه پس از سال‌های دهه هفتاد میلادی، می‌توان به کاهش جذابیت‌های حومه نشینی، پر هزینه بودن گسترش شهر در سطح، مشکلات مربوط به دسترسی به محل کار و فعالیت، مسائل زیست محیطی و تشکیل کنگره‌های مختلف برای حفظ مناطق و ابنیه تاریخی اشاره کرد. کنگره آتن در سال ۱۹۳۱، ارزش نهادن به آثار تاریخی و هنری را تصویب و توجه مدیران شهری، شهرسازان و برنامه‌ریزان شهری را به حفاظت از محله‌ها و مناطق قدیمی، یادمان‌ها و فضاها در برگیرنده خاطرات جمعی تشویق کرد. البته در این کنگره، توجه معطوف به حفاظت کالبدی بود و جنبه‌های گوناگون زندگی انسان در این قبیل پهنه‌ها از نظر شرکت کنندگان در کنگره دور مانده بود. در سال ۱۹۶۰، کنگره گوینو توجه به وضعیت اجتماعی شهرها و برطرف ساختن نابسامانی‌های شهری در مناطق تاریخی و کهن را مطرح ساخت و در سال ۱۹۷۵ موضوع مشارکت همه‌جانبه مردم و چگونگی زندگی در این قبیل پهنه‌ها مورد توجه منشور شورای اروپا در لوکزامبورگ قرار گرفت. از این پس، علاوه بر معماران که همواره به حفظ، مرمت و احیای میراث باقیمانده از جهت کالبدی توجه داشتند، جامعه شناسان، اقتصاددانان، جغرافیدانان و شهرسازان به پهنه‌های قدیمی و تاریخی که به نوعی دچار فرسودگی شده بودند، علاقمند شدند.

پذیرفتنی است که تعاریف و برداشت‌ها از "پهنه شهری فرسوده"، می‌تواند در هر کشوری متفاوت از کشور دیگر باشد و اهداف مداخله نیز گوناگون می‌باشد. محله لوماره در پاریس، شهر قدیمی اسلو، منطقه قدیمی جولری کوارتر در بیرمنگام، شهر قدیم قاهره، منطقه کهن حفصیه در تونس و مناطق فرسوده تهران از جمیع جهات با یکدیگر متفاوت هستند. آثار با ارزش باقیمانده از زمانه‌های دور، هویت و شخصیت‌های محلی، ساختار اجتماعی و اقتصادی ساکنان و بومیان، وضعیت کالبدی ساختمان‌های مسکونی، کاربری‌ها، مدیریت شهری و... دارای تفاوت ماهوی و بنیادی می‌باشند. اما در این میان نمی‌توان بی‌نیاز از نگاه به تجربه‌های مداخله در بافت‌های قدیم (تاریخی، فرهنگی، فرسوده و...) در کشورهای دیگر بود و تجربیات دیگران را نادیده گرفت. بررسی تجارب جهانی نوسازی در بافت‌های فرسوده شهری، از نقطه نظر شیوه‌های مداخله، حاکی از آنست که چهار روش مورد استفاده بوده است: در روش اول که بدنه سازی (اصلاح هندسی و تعریض معابر) می‌باشد، شهرداری‌ها طی تهیه طرح تفصیلی شهر نسبت به تعریض و اصلاح هندسی معابر براساس اصول شهرسازی اقدام نموده و چنانچه مالکان این جداره‌ها اقدام به نوسازی نمایند، موظف به عقب نشینی و نوسازی براساس طرح می‌باشند. لیکن شهرداری‌ها در این راستا، با ارائه امتیازات نسبت به تشویق مالکان اقدام می‌نمایند.

در روش دوم با عنوان: "نوسازی بخش خصوصی یا سازمان‌های دولتی غیر مرتبط"، ضمن معرفی محدود طرح، به سرمایه گذار اجازه داده می‌شود نسبت به تملک محدوده مورد نظر اقدام نموده و پس از تهیه طرح، براساس اصول شهرسازی نسبت به نوسازی اقدام نماید. همچنین با در اختیار گذاردن امتیازاتی در جهت افزایش سود اقتصادی طرح، برای سرمایه گذار ایجاد انگیزه نماید. در روش سوم، نوسازی از طریق برقراری امتیازات تشویقی است که شهرداری‌ها ضمن تهیه طرح تفصیلی و ارائه آن به ساکنان، ضمن ارائه امتیازاتی به آن‌ها، ساکنان را به نوسازی تشویق می‌نماید. لذا چنانچه خود ساکنان توانایی اجرای طرح را نداشته باشند، سرمایه گذار را افراد دیگری بر پایه شراکت بین طرفین انجام داده و در نهایت، سود اجرای طرح بین طرفین تقسیم می‌گردد. در روش چهارم، نوسازی با مداخله مستقیم دولت می‌باشد که سرمایه گذاری در آن از طرف دولت انجام شده و ساکنان این گونه از بافت‌های فرسوده به مکان دیگری که بطور موقت احداث شده منتقل می‌شوند، سپس نسبت به نوسازی محدوده طرح اقدام می‌گردد. لیکن پس از اجرای طرح، ساکنان به محل زندگی خود بازگشته و از بابت انجام هزینه‌های نوسازی طرح به دولت بدهکار می‌شوند.

تنوع تجارب جهانی در زمینه نوسازی مرمت بافت فرسوده و تاریخی شهری بسیار شایان توجه است. کشورهای مختلف با فرهنگها، زبانها و اعتقادات متفاوت، تجارب بسیار ارزنده ای را در طول تاریخ از خود برجای گذاشته اند که نشان دهنده هویت هر یک از شهرهای تاریخی در جهان می‌باشد. این تجارب با کارهای هوسمان در پاریس و نوشته های راسکین و موریس در انگلستان و اقدامات سیت در اتریش آغاز شد. پس از جنگ جهانی دوم خصوصاً بعد از دهه 1960 اتفاقات مهمی رخ داد که سبب تغییر جهت روند مرمت شهری در جهان شد (حیبی و دیگران، ۱۳۸۱: ۷۱). در ادامه به سیر تحول و تکوین رویکردهای مرمت شهری پرداخته می‌شود.

سیر تحول و تکوین رویکردها و سیاستها

نگاهی به پنجاه سال تجربه و تئوری مرمت شهری، در معنای عام خود از سال‌های ۱۹۵۰ تا اوایل قرن حاضر، بیانگر مراحل تقریباً متفاوت، البته با اندکی همپوشانی این دوره‌های تاریخی است. هر کدام از این مراحل با هدف احیا و مرمت مراکز و بافت‌های قدیمی شهری، بیانگر سطوح مختلفی از مداخله، دگرگونی در مفهوم و محتوی و وارد شدن جنبه‌ها و عرصه‌های جدید در مقوله مرمت شهری است.

- در بررسی سیر تکاملی بازآفرینی شهری نگاهی به بیش از یک قرن تجربه تئوری بهسازی و بازآفرینی شهری از بعد از انقلاب صنعتی تا قرن حاضر، نشان از سیر زیر است:
- قرن نوزدهم و پیامدهای انقلاب صنعتی
 - حفاظت و توسعه در نیمه اول قرن بیستم
 - دهه ۱۹۵۰، رویکرد بازسازی شهری
 - دهه ۱۹۶۰، مرمت شهری با رویکرد باز زنده سازی (تجدید حیات شهری)
 - دهه ۱۹۷۰، مرمت شهری با نگرش نوسازی شهری
 - دهه ۱۹۸۰، مرمت شهری با نگرش توسعه مجدد یا بازآفرینی اقتصاد مدار
 - دهه ۱۹۹۰، نگاه بازآفرینی شهری
 - هزاره سوم، مرمت شهری با رویکرد نوزایی (رنسانس) شهری



نمودار شماره ۲: سیر تحول بازآفرینی شهری و سیاست‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده

در ادامه، دوره‌های مختلف به همراه نوع سیاست هر دوره، راهبرد اصلی و جهت‌گیری‌های عمده در هر دوره، دست‌اندرکاران بانفوذ و گروه‌های ذینفع و سایر ویژگی‌های هر دوره مشخص شده است.

جدول شماره ۱: سیر سیاست‌های بهسازی و نوسازی بافت فرسوده

دوره	قرن ۱۹	نیمه اول قرن ۲۰	دهه ۱۹۵۰	دهه ۱۹۶۰	دهه ۱۹۷۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰	هزاره سوم
نوع سیاست هر دوره	شکل‌گیری تئوری‌های مرمت	حفاظت و توسعه	بازسازی	باززنده سازی	نوسازی	توسعه مجدد	بازآفرینی	نوزایی (رنسانس)

دوره	قرن ۱۹	نیمه اول قرن ۲۰	دهه ۱۹۵۰	دهه ۱۹۶۰	دهه ۱۹۷۰	دهه ۱۹۸۰	دهه ۱۹۹۰	هزاره سوم
راهبرد اصلی و جهت گیری	اقدامات حفاظتی و نگهداشت آثار تاریخی ارزشمند	تداوم جنبش حفاظت	بازسازی و گسترش مناطق قدیمی تر شهرها و شهرک‌ها اغلب بر اساس یک طرح جامع، رشد حومه نشینی	تداوم راهبردهای دهه ۱۹۵۰، رشد حومه‌ای و حاشیه‌ای، برخی تلاش‌های اولیه در توانمندسازی	تمرکز بر روی نوسازی در جای اولیه خود و طرح‌های واحد همسایگی؛ کماکان توسعه در حاشیه شهر	طرح‌های متعدد بزرگ برای توسعه و توسعه مجدد پروژه‌های کلان مقیاس بر هزینه پروژه‌های خارج از شهر	حرکت به سوی شکل جامع تری از سیاستگذاری اعمال تمرکز بر روی راه حل‌های یکپارچه	همزیستی و همنشینی سبک‌ها و فرهنگها
دست اندر کاران بانفوذ و گروه‌های ذینفع	دولت	دولت	دولت ملی و محلی، پیمانکاران و توسعه دهندگان خصوصی زمین و املاک	حرکت به سوی توازن بیشتر میان بخش‌های عمومی و خصوصی	نقش رو به افزایش بخش خصوصی و تمرکززدایی با واگذاری قدرت بیشتر به دولت محلی	تأکید بر نقش بخش خصوصی و کارگزاران خاص افزایش شراکت	شراکت به عنوان رویکرد غالب	
کانون اقتصادی			سرمایه گذاری بخش عمومی با مداخله نسبی بخش خصوصی	ادامه روند دهه ۱۹۵۰ با افزایش اثر سرمایه گذاری بخش خصوصی	محدودیت منابع بخش عمومی و رشد سرمایه گذاری بخش خصوصی	تسلط بخش خصوصی با تأمین گزینشی بودجه از سوی بخش عمومی	توازن بیشتر میان بودجه تأمین شده از سوی بخش عمومی، خصوصی و داوطلبانه	
محتوای اجتماعی			بهبود معیارهای زندگی و ساخت مسکن	بهبود اجتماعی و رفاه	اقدام اجتماع مدارو اختیار بیشتر	گروه‌های اجتماعی خودیار با حمایت بسیار گزینشی دولت	توجه به ابعاد هنری و فرهنگی و اصالت بخشی به محلات شهری	
تأکید فیزیکی	حفاظت از تک بناهای تاریخی		جایگزینی نواحی درونی و توسعه حاشیه ای	تداوم برخی رویکردهای دهه ۱۹۵۰ موازی با توانمندسازی نواحی	نوسازی‌های گسترده بیشتر در مناطق شهری قدیمی تر	طرح‌های بزرگ جایگزینی و توسعه جدید، طرح‌های کلان مقیاس پر هزینه	میان‌رو تراز دهه ۱۹۸۰، توجه به میراث و نگاهداشت ابنیه	شامل نمودن همه گروه‌های اجتماعی در شهر و فعالیت‌های آن با طراحی محیط فیزیکی در ارتباط است.
رویکرد محیطی			منظر سازی و تاحدودی گسترش فضای سبز	بهبود سازی گزینشی	بهبود سازی محیطی همراه با برخی ابتکارات	افزایش توجه به رویکردی گسترده تر نسبت به محیط	معرفی ایده گسترده تری از پایداری محیط	

۲-۳- توسعه پایدار شهری

به دنبال مطرح شدن دیدگاه توسعه پایدار و توجه بیشتر صاحب‌نظران، این الگو وارد مقوله برنامه‌ریزی شهری و شهرسازی شد. نظریه توسعه پایدار شهری ره‌آورد گفتگوهای طرفداران محیط زیست درباره مسائل محیط زیستی به‌ویژه محیط زیست شهری است که به دنبال نظریه توسعه پایدار برای پشتیبانی از منابع طبیعی ارائه شد. توسعه پایدار شهری یعنی شرایطی که شهرنشینان امروز و شهرنشینان فردا بتوانند از عمر دراز و در عین حال سازنده بهره‌مند گردند و ضمن تندرستی در آن در کمال آرامش و امنیت زندگی کنند. از سوی دیگر نظریه توسعه پایدار شهری مسائلی چون جلوگیری از آلودگی‌های محیط شهری و ناحیه‌ای، کاهش ظرفیت‌های تولید محلی، ناحیه‌ای و ملی، حمایت از بازیافت‌ها، عدم حمایت از توسعه زیان‌آور و برطرف ساختن شکاف میان غنی و فقیر را مطرح می‌کند. پایداری مفهومی پویا است و تأکید بر بهره‌گیری از منابع در یک حالت ماندگار دارد. این وضع در بین سطوح رشد متنوع کشورهای جهان دارای معانی متفاوتی است، زیرا در کشورهای توسعه نیافته، سرمایه لازم برای ماندگاری وجود ندارد و بیشترین تخریب‌های محیط زیستی نیز در این نواحی رخ می‌دهد.

چه شهری را می‌توان پایدار دانست؟ (Girardet, 1999) در جواب این سؤال می‌گوید، شهر پایدار شهری است که به‌نحوی سازماندهی شده است که تمام شهروندانش را در تأمین نیازهایشان توانمند سازد و سطح رفاه آنها را بدون اینکه به طبیعت آسیب وارد شود و یا شرایط زندگی دیگر افراد به خطر افتد، در زمان حال و آینده ارتقاء دهد. به‌نحوی کاربردی تر (Cahill, 2002) یک شهر پایدار را شهری می‌داند که در آن تراکم ساختمانی بالاست و ارجحیت روش‌های حمل و نقل با پیاده‌روی و دوچرخه سواری و حمل و نقل عمومی است. نیاز به تمرکز بر روی پایداری قابلیت زیست شهر به سه دلیل مشهود است. اول اینکه، شهرها در حال تبدیل شدن به محل‌های اصلی زندگی بشر (بیش از ۵۰ درصد جمعیت جهان) هستند. در حالی که در سال ۱۹۰۰، ۱۵۰ میلیون نفر از جمعیت جهان در شهرها می‌زیستند، این رقم در سال ۲۰۰۰ به بیش از ۲/۹ میلیارد رسید. این ارقام به این معنی است که درصد جمعیت شهری جهان از ۱۰٪ در سال ۱۹۰۰ به ۴۹٪ در سال ۲۰۰۰ رسید. در کشورهای توسعه یافته در قرن گذشته درصد جمعیت ساکن در شهر به حدود ۷۵٪ رسید (Lomborg, 2001).

دوم اینکه، در حالی که شهرها در حال تبدیل شدن به محل‌های اصلی زندگی بشر با بیش از ۷۰٪ جمعیت شهری در انتهای قرن ۲۱ هستند، زندگی شهری تنها کمتر از یک درصد تاریخ پیدایش بشر را در بر می‌گیرد. بنابراین رشد شهری و زندگی در شهر تجربه جدیدی برای جوامع انسانی به‌شمار می‌رود. بسیاری از تئوری‌های اجتماعی، فرهنگی، حتی سیاسی در قرن‌های ۱۹ و ۲۰ سعی در توضیح روابط انسانی در شهر داشته‌اند (Tonnie, 1954; Singer & Redfield, 1988). دانستن اینکه آیا زندگی شهری سیستم‌های فرهنگی، اجتماعی و بومی را تغییر خواهد داد، یا اینکه جوامع در فضای شهری تجارب اجتماعی و فرهنگی جدیدی کسب می‌کنند یک، نیاز است (Mumford, 1961). در نظریه توسعه، شهرگرایی به عنوان فاکتور مدرنیزاسیون و تحول اجتماعی و شهرها به عنوان قطب‌های رشد به حساب می‌آیند (Gottmann, 1983).

سوم اینکه، اهمیت شهرها تنها در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی که مربوط به روابط میان انسانی است خلاصه نمی‌شود بلکه دانستن روابط انسان با طبیعت و انسان با منظر فرهنگی درون محیط زیست مهندسی شده بشر نیز لازم است. متأسفانه شهرها در حال گسترشند و شهرگرایی بدون در نظر گرفتن محیط زیست، منابع طبیعی و زمین دائماً در حال رشد است.

توسعه پایدار شهری به راه‌حل‌های جدید فنی و تشکیلاتی نیاز دارد تا استفاده کارآمد از منابع و کاهش جمعیت و ضایعات را تضمین کند. روز به روز روشن‌تر می‌شود که سیاست‌های مناسب محیط زیستی می‌تواند منافع اقتصادی و اجتماعی متعددی را در پی داشته باشد. برای نمونه سیستم‌های انرژی تجدیدپذیر می‌تواند جای سوخت فسیلی را بگیرد و تعداد زیادی مشاغل محلی ایجاد کند. امروزه عوامل متعددی (از جمله: شهر سالم، کاهش آلاینده‌ها، تأکید بر منابع تجدید شونده، فقر زدایی و غیره) در زیر مجموعه توسعه پایدار و به‌طور خاص توسعه پایدار شهری قرار می‌گیرند.

در یک دیدگاه اجمالی مبانی نظری مفهوم پایداری در شهر و ناحیه شامل موارد زیر می‌شود:

کاهش آلودگی، نگهداری منابع طبیعی، کاهش حجم ضایعات شهری، افزایش بازیافت‌ها، کاهش انرژی مصرفی، افزایش جانداران مفید در شهر و روستا، افزایش تراکم متوسط در حومه‌های شهری و شهرهای کوچک، کاهش فواصل ارتباطی، ایجاد اشتغال محلی، توسعه متنوع در مراکز اشتغال، توسعه شهری کوچک برای کاهش اتکا به شهرهای بزرگ، ساختار اجتماعی متعادل، حمل و نقل عمومی و کاهش راهبندان جاده‌ای، مدیریت ضایعات بازیافت نشدنی و توزیع منابع و تهیه غذای پایدار محلی.

به این طریق اولاً با جانمایی منابع و نوسازی آنها، اتخاذ سیاست کاربری صحیح و محافظت از زمین بالا می‌رود و ثانیاً با توجه به برنامه‌ریزی شهری و ناحیه‌ای و سازماندهی فضا توسعه پایدار شهری حاصل می‌شود.

مشخصه‌های توسعه پایدار

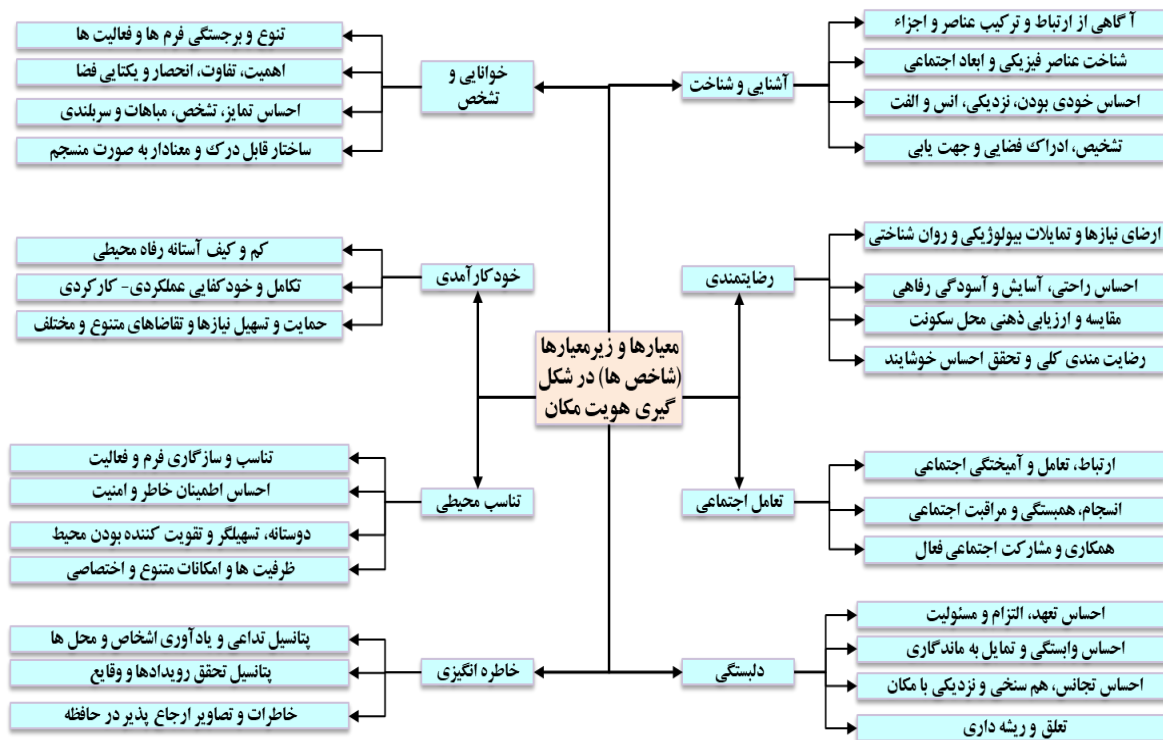
برای اینکه توسعه ای پایدار باشد لازم است چند مشخصه داشته باشد:

- ۱- بهره‌وری: در واقع یک معادله‌ی پویاست بین سیستم طبیعی و سیستم‌های اجتماعی-اقتصادی که تولید غذا و دیگر کالاها را برای مردم تضمین می‌کند، بدو اینکه برای سیستم ضرری داشته باشد. بهره‌وری ظرفیت جامعه برای استفاده یا تغییر شکل سیستم‌های طبیعی در تولید غذا و کالا با بازده بهیچ‌را می‌سند.
- ۲- عدالت: یعنی ظرفیت جامعه در توزیع عادلانه‌ی فرصت‌ها و تهدیدهایی که ناشی از کاربرد یا تغییر سیستم‌های طبیعی پیرامون هستند، مانند توزیع آنچه که از فرایند توسعه حاصل می‌شود. این اصطلاح در مورد توزیع ثروت در بین مردم نیز به کار می‌رود.
- ۳- انعطاف پذیری: به ظرفیت جامعه در واکنش به فشارهای طبیعی یا تحمیلی یا ضربه‌های ناگهانی گفته می‌شود. انعطاف پذیری یعنی قابلیت سیستم برای ترمیم یا نگهداری سطح بهره‌وری در بی‌نظمی‌های کوتاه یا طولانی مدت.
- ۴- ثبات: یعنی ظرفیت جامعه در ادامه استفاده یا تغییر فرایند سیستم‌های طبیعی بدون دگرگونی شدید (مولدان و بیلهارز، ۱۳۸۱: ۳۸۷).

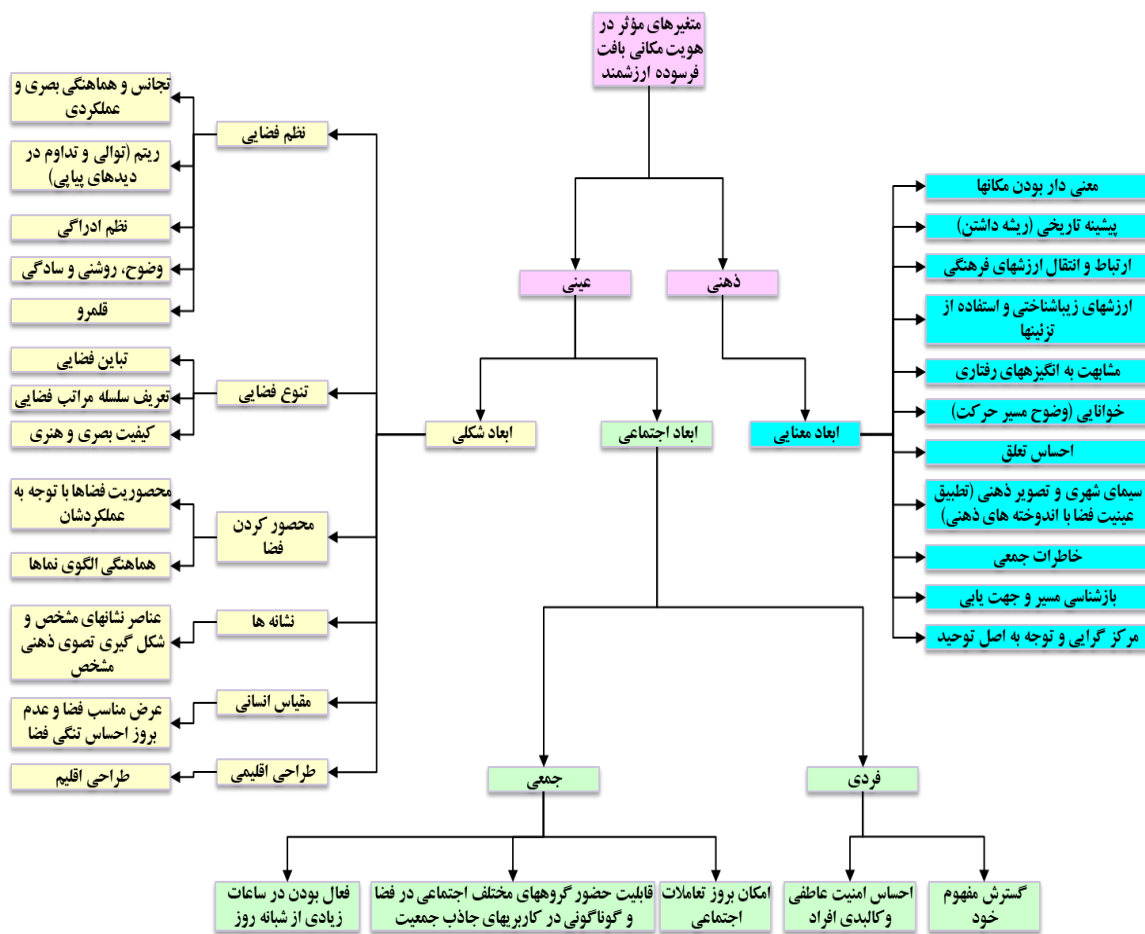
۳- بررسی و تحلیل یافته‌ها

در هویت مکان، مطابق پژوهش‌های انجام شده توسط سایر پژوهشگران، مجموعه‌ای از معیارها و زیرمعیارها بدست آمده است. این معیارها و زیرمعیارها شاما خوانایی و تشخیص، آشنایی و شناخت، رضایتمندی، خودکارآمدی، تعامل اجتماعی، تناسب محیطی، دلبستگی و در نهایت، خاطره انگیزی است. همانگونه که در قالب مدل مفهومی زیر قابل ترسیم است:

با مطالعه و تلخیص منابعی که در زمینه هویت در بافت‌های ارزشمند شهری کار کرده‌اند، در زمینه بافت‌های فرسوده تاریخی و ارزشمند شهری، می‌توان به مجموعه‌ای از ابعاد و متغیرها دست یافت. مجموع ابعاد در دو دسته عینی (شامل ابعاد اجتماعی و شکلی) و ذهنی (شامل بُعد معنایی) قابل دسته‌بندی است.

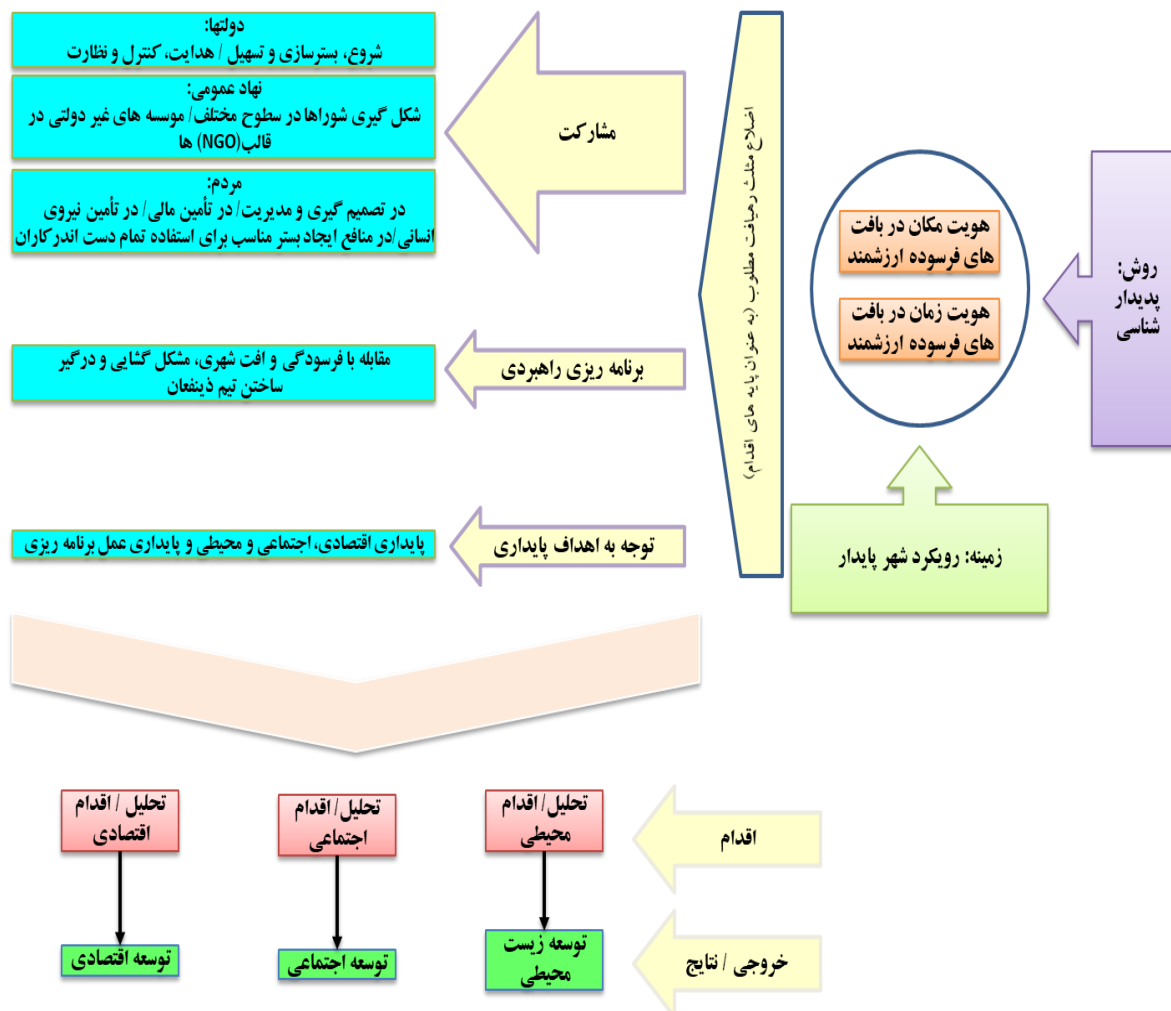


نمودار شماره ۳: معیارها و زیرمعیارهای هویت مکان بر اساس برداشتی از پژوهش‌های پیشین



نمودار شماره ۴: ابعاد هویت در بافت‌های ارزشمند شهری

در مجموع برای بررسی پدیدار شناختی هویت مکان در بافت‌های فرسوده ارزشمند با رویکرد شهر پایدار، مدل مفهومی زیر پیشنهاد می‌شود:



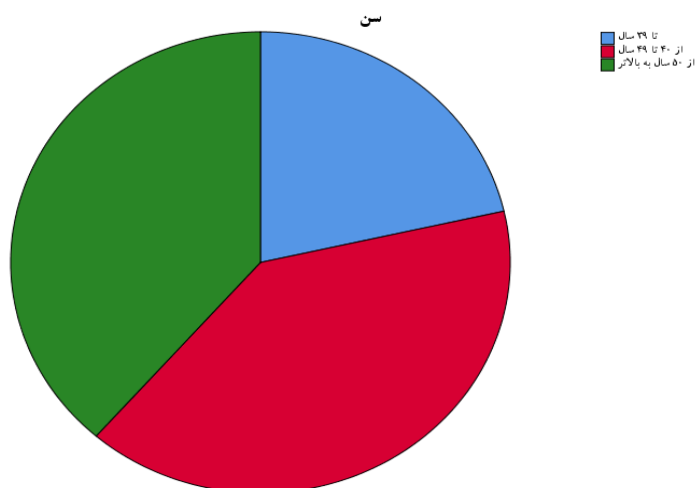
نمودار شماره ۵: مدل مفهومی پدیدار شناختی هویت مکان در بافت‌های فرسوده ارزشمند با رویکرد شهر پایدار

برای آزمون صحت و اعتبار الگوی بدست آمده، از پرسشنامه‌ای استفاده شد که بین خبرگان توزیع گردید. مقصود از خبرگان شامل اساتید دانشگاهی؛ اساتید گروه مدیریت شهری، شهرسازی و جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشجویان دکتری و فارغ التحصیلان کارشناسی ارشد و متخصصین شهرداری بوده است. مشروط به اینکه در زمینه بافت فرسوده شهری و هویت در بافت‌های تاریخی و ارزشمند شهری، دارای تجربه باشند. در تکمیل این پرسشنامه‌ها، ابتدا موضوع پژوهش و هدف آن بخوبی تبیین گردید و سپس الگوی پیشنهادی که پژوهش بدان دست یافته است (الگوی مفهومی پژوهش) بصورت ترسیم شده در اختیار آنان قرار گرفت. در انتها از متخصصین، کارشناسان و اساتید خواسته شد به پرسش‌هایی که در زمینه اعتبار و تناسب الگوی مدنظر می‌باشد پاسخ دهند.

توزیع فراوانی جامعه آماری بر اساس ترکیب سنی در جدول و نمودار بعدی نشان داده شده است.

جدول شماره ۲: توزیع جامعه آماری بر اساس ترکیب سنی

		Frequency	Percent	Percent Valid	Percent Cumulative
Valid	تا ۳۹ سال	15	21.4	21.4	21.4
	از ۴۰ تا ۴۹ سال	28	40.0	40.0	61.4
	از ۵۰ سال به بالاتر	27	38.6	38.6	100.0
	Total	70	100.0	100.0	

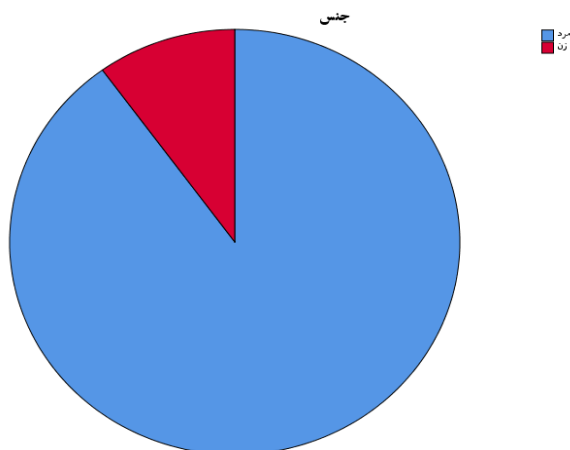


نمودار شماره ۵: توزیع جامعه آماری بر اساس سنی

آنگونه که از جدول و نمودار پیداست، اغلب جامعه آماری در رده سنی ۴۰ تا ۴۹ سال قرار دارند. جدول و نمودار بعدی به ترکیب جنسی جامعه آماری مربوط می‌شود.

جدول شماره ۳: توزیع جامعه آماری بر اساس ترکیب جنسی

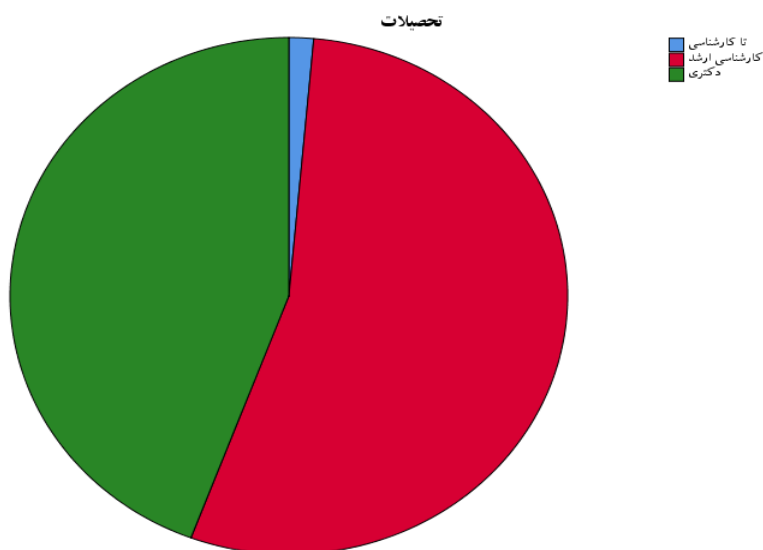
		Frequency	Percent	Percent Valid	Percent Cumulative
Valid	مرد	63	90.0	90.0	90.0
	زن	7	10.0	10.0	100.0
	Total	70	100.0	100.0	



نمودار شماره ۶: توزیع جامعه آماری بر اساس ترکیب جنسی

مطابق جدول و نمودار پیشین، ۹۰ درصد جامعه آماری را مردان تشکیل می‌دهند. ترکیب جامعه آماری از نظر تحصیلات در جدول و نمودار بعدی نشان داده شده است.

جدول شماره ۴: توزیع جامعه آماری بر اساس ترکیب تحصیلات					
		Frequency	Percent	Percent Valid	Percent Cumulative
Valid	تا کارشناسی	1	1.4	1.4	1.4
	کارشناسی ارشد	38	54.3	54.3	55.7
	دکتری	31	44.3	44.3	100.0
	Total	70	100.0	100.0	



نمودار شماره ۷: توزیع جامعه آماری بر اساس ترکیب تحصیلات

بر اساس جدول و نمودار بالا، بیشترین درصد افراد دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هستند (۵۴,۳ درصد) و در مرتبه بعدی، افراد دارای تحصیلات دکتری (۴۳,۳ درصد) قرار دارند. بری ارزیابی مقادیر تناسب و اعتبار الگوی مفهومی پژوهش، از مجموعه‌ای از معیارها استفاده شده است. معیارهای مورد پرسش در جدول بعد بیان شده است.

جدول شماره ۲: معیارهای سنجش و ارزیابی تناسب و اعتبار الگوی مفهومی هویت مکان در بافت‌های فرسوده ارزشمند با رویکرد شهر پایدار

تشریح معیار/زیرمعیار	معیار
میزان سازگاری با موضوع و اهداف پژوهش پدیدارشناختی هویت مکان در بافت‌های فرسوده ارزشمند با رویکرد شهر پایدار؟	متناسب بودن (Suitability)
میزان سازگاری با اهداف کلان دخالت مناسب در بافت فرسوده شهری؟	
میزان سازگاری با شرایط کنونی شهرهای میانی و کلانشهرهای کشور؟	
میزان توانایی حل مسئله‌های ناشی از بافت فرسوده در محیطهای شهری در آینده؟	اثربخشی، سودمندی (Effectiveness)
میزان سودمندی در بهبود شرایط برای مداخلات هرچه بهتر بافت‌های فرسوده شهری؟	
پذیرش الگو توسط صاحب‌نظران و اساتید؟	مشروعیت (Legitimacy)

معیار	تشریح معیار/زیرمعیار
	میزان پذیرش در چهارچوب سیاستگذاری‌های بافت‌های فرسوده و توسعه پایدار شهری؟
	پذیرش الگو توسط کارشناسان ارشد شهرداری و خبرگان شهرسازی و برنامه ریزی شهری؟
پیوستگی و تداوم (Continuity)	به چه میزان به صورت یک مجموعه بهم پیوسته، از انسجام برخوردار است؟
	به چه میزان بعنوان مجموعه راهبردهای قابل پیگیری و فعالیت‌های قابل اجرا در بلندمدت ارزیابی می‌شود؟
انعطاف پذیری (Flexibility)	قابلیت آزمون و تکرارپذیری الگو در سایر زمان‌ها و مکان‌ها (شهرهای مختلف کشور)؟
	به چه میزان در مورد شهرهای میانی و یا کلانشهرهای دارای وضعیت مشابه قابل تطبیق است؟
قاعده مندی (Regularity)	به چه میزان در راستای قوانین و مقررات و سیاست‌های موجود در زمینه بافت‌های فرسوده شهری؟
	تا چه میزان در راستای اهداف و خواسته‌های مدیریت شهری است؟
شفافیت (Transparency)	میزان شفافیت و بی‌ابهام بودن؟

پس از آنکه نظرات ۷۰ نفر از متخصصان، صاحب‌نظران و کارشناسان ارشد اخذ شد، داده‌ها در قالب نرم‌افزار تحلیل‌های آماری SPSS کدگذاری و در بانک داده این نرم افزار پیاده سازی شد. سپس میانگین، کمینه، بیشینه و مقادیر انحراف هریک از زیرمعیارها به شرح جداول بعدی محاسبه گردید.

جدول شماره ۶: کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار در خصوص معیار متناسب بودن (Suitability) و زیرمعیارهای آن					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Deviation Std.
میزان سازگاری با موضوع و اهداف پژوهش پدیدارشناختی هویت مکان در بافت‌های فرسوده ارزشمند با رویکرد شهر پایدار؟	70	3.00	5.00	4.7429	.52985
میزان سازگاری با اهداف کلان دخالت مناسب در بافت فرسوده شهری؟	70	3.00	5.00	4.6857	.52593
میزان سازگاری با شرایط کنونی شهرهای میانی و کلانشهرهای کشور؟	70	3.00	5.00	4.7571	.57573
(listwise) N Valid	70				

نظر به جدول پیشین، با توجه به اینکه میانگین زیرمعیارهای مربوط به معیار «متناسب بودن» بالاتر از ۳ و حتی بالاتر از ۴ می‌باشد، کاملاً قابل قبول واقع شده است. همچنین با توجه به اینکه انحراف معیار همه آنها بسیار پایین (زیر ۱) است نشان از این دارد که اتفاق نظر بالایی بین خبرگان و متخصصان در مورد این زیرمعیارها وجود داشته است. لذا مدل مفهومی از نظر این معیار، کاملاً مورد تأیید قرار می‌گیرد.

جدول شماره ۷: کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار در خصوص معیار اثربخشی، سودمندی (Effectiveness) و زیرمعیارهای آن					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Deviation Std.
میزان توانایی حل مسئله‌های ناشی از بافت فرسوده در محیط‌های شهری در آینده؟	70	3.00	5.00	4.7714	.54298
میزان سودمندی در بهبود شرایط برای مداخلات هرچه بهتر بافت‌های فرسوده شهری؟	70	3.00	5.00	4.6857	.62654
(listwise) N Valid	70				

در جدول بالا مشاهده می‌شود که میانگین نمره زیرمعیارهای مجموعه معیار «اثربخشی، سودمندی» بیشتر از ۴ است لذا زیرمعیارهای مذکور مورد تأیید قرار می‌گیرند. همچنین انحراف معیار پایین، دلیلی بر اتفاق نظر متخصصان در این خصوص است.

جدول شماره ۸: کمیته، بیشینه، میانگین و انحراف معیار در خصوص معیار مشروعیت (Legitimacy) و زیرمعیارهای آن					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Deviation Std.
پذیرش الگو توسط صاحب نظران و اساتید؟	70	4.00	5.00	4.9714	.16780
میزان پذیرش در چهارچوب سیاستگذاری های بافت های فرسوده و توسعه پایدار شهری؟	70	4.00	5.00	4.9857	.11952
پذیرش الگو توسط کارشناسان ارشد شهرداری و خبرگان شهرسازی و برنامه ریزی شهری؟	70	4.00	5.00	4.7571	.43191
(listwise) N Valid	70				

در جدول بالا ملاحظه می شود که زیرمعیارهایی که مربوط به معیار مشروعیت می باشد، نمره بالای ۴ کسب کرده است و این نشان می دهد که همگی مورد قبول واقع می شود. همچنین این زیرمعیارها از نظر انحراف معیار، وضعیت بسیار خوبی دارند زیرا انحراف معیار همگی این زیرمعیارها پهنتر از ۱ است که بر این مبنی می توان نتیجه گرفت که اتفاق نظر بالایی در بین خبرگان و متخصصان در این باره وجود داشته است.

جدول شماره ۹: کمیته، بیشینه، میانگین و انحراف معیار در خصوص معیار پیوستگی و تداوم (Continuity) و زیرمعیارهای آن					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Deviation Std.
به چه میزان به صورت یک مجموعه بهم پیوسته، از انسجام برخوردار است؟	70	4.00	5.00	4.9571	.20400
به چه میزان بعنوان مجموعه راهبردهای قابل پیگیری و فعالیت های قابل اجرا در بلندمدت ارزیابی می شود؟	70	4.00	5.00	4.9714	.16780
(listwise) N Valid	70				

آنگونه که از جدول بالا پیداست، بررسی و تحلیل آمارهای مربوط به زیرمعیارهای پیوستگی و تداوم، حاکی از این است که نمره میانگین آنها بالای ۴ است. پس کاملاً مورد پذیرش قرار گرفته است. ضمن آنکه انحراف معیارها بسیار پایین (زیر ۱) است که این به معنی اتفاق نظر بسیار بالای خبرگان و متخصصان در خصوص این معیار است.

جدول شماره ۱۰: کمیته، بیشینه، میانگین و انحراف معیار در خصوص معیار انعطاف پذیری (Flexibility) و زیرمعیارهای آن					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Deviation Std.
قابلیت آزمون و تکرارپذیری الگو در سایر زمان ها و مکان ها (شهرهای مختلف کشور)؟	70	4.00	5.00	4.9714	.16780
به چه میزان در مورد شهرهای میانی و یا کلانشهرهای دارای وضعیت مشابه قابل تطبیق است؟	70	4.00	5.00	4.9857	.11952
(listwise) N Valid	70				

جدول فوق حاوی میانگین های بالاتر از ۴ در خصوص زیرمعیارهای مربوط به معیار انعطاف پذیری است. ضمن آنکه انحراف معیار این زیرمعیارها بسیار پایین است (پایین تر از ۱) و لذا می توان اینگونه تحلیل نمود که از نگاه خبرگان و متخصصان کاملاً مورد تأیید قرار گرفته است.

جدول شماره ۱۱: کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار در خصوص معیار قاعده مندی (Regularity) و زیرمعیارهای آن					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Deviation Std.
به چه میزان در راستای قوانین و مقررات و سیاست‌های موجود در زمینه بافت‌های فرسوده شهری؟	70	4.00	5.00	4.9429	.23379
تا چه میزان در راستای اهداف و خواسته‌های مدیریت شهری است؟	70	4.00	5.00	4.7714	.42294
(listwise) N Valid	70				

جدول بالا در خصوص زیرمعیارهای مربوط به معیار قاعده مندی است که ارقام میانگین بالای ۴ و انحراف معیار زیر ۱ تأیید کننده این معیار است.

جدول شماره ۱۲: کمینه، بیشینه، میانگین و انحراف معیار در خصوص معیار شفافیت (Transparency)					
	N	Minimum	Maximum	Mean	Deviation Std.
میزان شفافیت و بی ابهام بودن؟	70	4.00	5.00	4.9714	.16780
(listwise) N Valid	70				

با نگاه به جدول فوق می‌توان دریافت که خبرگان و متخصصان، معیار شفافیت را کاملاً مورد تأیید قرار داده‌اند زیرا میانگین بالای ۴ و انحراف معیار پایین ۱ گواهی بر اتفاق نظر آنان در خصوص این معیار است.

۴- جمع بندی و نتیجه

شیوه مواجهه با بافت فرسوده شهری یکی از نگرانی‌های مدیران شهری در اغلب شهرهای بزرگ و متوسط، هم در جهان توسعه یافته و در جهان متر توسعه یافته می‌باشد. بخش‌هایی از شهر که از نظر زمانی نسبت به سایر نقاط عقب افتاده اند و سرعت تغییرات و تحولات را مانند پهنه‌های دیگر شهری، طی نکردند. این بافت‌ها جدا از آنکه از منظر مسائل کالبدی (مانند دوام و دسترسی) با مشکلات جدی مواجه هستند بلکه از نظر اجتماعی و اقتصادی نیز نوعی انزوا بر آنها حاکم است. در میان انبوه اقدامات برای زنده و پویاسازی این بافت‌ها و پیشگیری از زوال و فرسودگی هرچه بیشتر آنها در جهان و از جمله در کشور ما، مجموعه‌ای از سیاستها و راهبردها بکار رفته است که هر یک از آنها اگرچه دستاوردهایی به دنبال داشته اما پاسخگوی همه جانبه نیازهای حیاتی این بافتها نبوده است.

در جدیدترین نگاه‌ها به این چالش شهری کشور، روش پدیدارشناسی در بستر و زمینه‌ای از توسعه پایدار مطرح می‌شود که می‌تواند کلید حل جامع مسائل باشد. اصلاح مثلث رهیافت مطلوب (به عنوان پایه‌های اقدام) شامل مشارکت (اعم از دولت، نهادهای عمومی و مردم)، برنامه ریزی راهبردی و توجه به اهداف پایداری است. در چنین مدلی، تحلیل و اقدام محیطی، اجتماعی و همچنین اقتصادی دارای نتایج و خروجی‌هایی است که از آن به عنوان توسعه زیست محیطی، توسعه اجتماعی و توسعه اقتصادی یاد می‌شود.

منبع

- امامی سیگارودی، عبدالحسین و دیگران (۱۳۹۱) روش شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی، فصلنامه پرستاری و مامایی جامع نگر، سال
- هوسرل، ادموند (۱۳۸۶) ایده‌ی پدیده‌شناسی، ترجمه‌ی عبدالکریم رشیدیان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.

- سلیمی، محمدرضا و روح انگیز شرفی (۱۳۹۴) بررسی ساختار ابعاد روش تحقیق کیفی پدیدارشناسی. کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، روانشناسی و علوم اجتماعی. ۲۷ آبان ۱۳۹۴
- اسمیت، دیوید و ودراف، ۱۳۷۳، پدیدارشناسی، ترجمه مسعود علیا، تهران، انتشارات ققنوس
- بازرگان، عباس (۱۳۸۷). روش‌های تحقیق کیفی و آمیخته، تهران: دیدار
- حسین حاتمی نژاد و حسین خلیل آباد کلانتری (۱۳۸۵) "برنامه‌ریزی مرمت بافت تاریخی شهر یزد." تهران: انتشارات فراگستر.
- شاطری وایقان، امید و محمد دبدبه (۱۳۹۸) رویکرد احیای بافت‌های تاریخی و ارزشمند شهری در حفظ هویت معماری بناها. مطالعات طراحی شهری و پژوهش‌های شهری سال دوم زمستان ۱۳۹۸ شماره ۶ (پیاپی ۹).
- قادری، اسماعیل، افسانه زمانی مقدم، سیدهاشم جلالی کنیمی (۱۳۹۱) تدوین راهبردهای اجتماعی مدیریتی احیاء، توسعه و حفاظت بافت‌های تاریخی مطالعه موردی منطقه ۱۲ شهرداری تهران. مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم/شماره اول/زمستان ۹۱.
- حبیبی، محسن و مقصودی، ملیحه (۱۳۸۱)، مرمت شهری، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ اول.
- عندلیب، علیرضا (۱۳۸۷) مجموعه یادداشت‌های نوسازی بافت‌های فرسوده، تهران، سازمان نوسازی شهر تهران.
- مولدان، بدریچ و بیلهارز، سوزان، شاخص‌های توسعه پایدار، نشاط حداد تهرانی، ناصر محرم نژاد، تهران، انتشارات سازمان حفاظت از محیط زیست، اول، ۱۳۸۱ ش.
- صحنی زاده، مهشید و ایزدی، محمد سعید (۱۳۸۳) حفاظت و توسعه شهری: دو رویکرد مکمل یا مغایر؟، فصلنامه شهرسازی و معماری آبادی، سال ۱۴، شماره ۴۳، صص ۱۲-۲۱.
- Robert.Brewer. d, john, 2003, "the A-Z of social research" a dictionary of key social science Miller, L. research concepts.
- Hein, S. F and Austin, W. J. (2001). Empirical and Hermeneutic Approaches to Phenomenological Research in Psychology. a Comparison. Psychological Methods. 6: 3-17.
- Daymon, Daymon and Holloway, Immy (2009). *Qualitative Research Methods in Public Relations and Marketing Communications. 2nd Edition.*
- Morrissey, Gabrielle and Higgs, Joy. (2006). Phenomenological research and adolescent female sexuality Nova. The Qualitative Report. Volume 11 Number 1.
- Patton, M. Q. (1990) Qualitative Research, Stan. (1999). An introduction to phenomenological research. Taunton: Development Publication. Evaluation and Research Methods. London: Sage Publications.
- Girardet, H. (1999). Creating sustainable cities. Totnes: Green Books.
- Cahill, M. (2002). The environment and social policy. London: Routledge.
- Lomborg, B. (2001). The skeptical environmentalist: measuring the real state of the world. Cambridge: Cambridge University Press.
- Redfield, R., & Singer, M. (1954). The cultural role of cities. *Econ Dev Cult Change*, 3, 53-73.
- Tonnies, F. (1988). Community and society. New Brunswick: Transaction Books.
- Gottmann, J. (1983). The coming of the transactional city. Maryland: University of Maryland and Institute for Urban Studies.

Phenomenological spatial-temporal identity in valuable worn-out tissues with a sustainable development approach

Adel Gorjinia¹

PhD Student in Urban Planning, Faculty of Engineering, North Tehran Branch Islamic Azad University, Tehran, Iran

Elham Amini²

Assistant Professor, Campus Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran (corresponding author)

Abstract: *Although historical contexts have an existential value called identity, they are gradually isolated over time due to incompatibility with other contexts. In many parts of the world, including our country, the existence of such contexts is a major challenge for city managers because they do not follow the steps of growth and development along with the whole city. In dealing with this issue, several policies and approaches have been tested that lacked comprehensive accountability. Therefore, the current research problem is to find a comprehensive and appropriate model of intervention in worn tissue. In addition to documentary studies to achieve the desired model, the research has tested it in the field (by referring to experts). The statistical population is 70 specialists and experts who were selected by purposive sampling. Questionnaire data were analyzed in SPSS software. Due to the high score of 4 criteria and sub-criteria and the standard deviation of less than 1, the proposed research model was finally approved.*

Keywords: *Cognitive phenomenology, place identity, worn tissues, sustainable development approach.*

¹ Email: arc.gorjinia@gmail.com

² Email: dr.amini.elham@gmail.com (Corresponding Author)